

شماره ۷
شنبه ۶ آبان ۱۳۹۶



کحات

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی



نگاهی به فیلم مستند

«دو نازی» و «بازگشت»



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ
عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ
وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا

سپاس خداوندی را
که بر بنده خود این،
کتاب را نازل کرد و
هیچ کجی و انحراف
در آن ننهاد.

قرآن کریم، سوره کهف
آیه نخست



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۷، شنبه، ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۶



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ - ۸۸۷۸۳۶۴۵، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





حسن بیات | کارگردان

پونزده کیلومتر اون ورتراز زنجان، یکی از زیباترین نقاط ایران قرار گرفته؛ سهرین یه دشت بزرگه که توش پره از آهو. اگه آدم یه کم حوصله داشته باشه، می تونه یه تپه کوچیک تودل دشت پیدا کنه و تمام روز رو بشینه به تماشای گله های بزرگ آهو که آزادانه این طرف و اون طرف می دون. حسن بیات چند سال قبل برای فیلمبرداری از آهوها گذرش به دشت سهرین افتاده بود و مات و مجذوب اون همه زیبایی شده بود. اونقدر که بعدش بارها و بارها به اونجا سرزده بود و تو آرامشش غرق شده بود. بعدها وقتی داشت «دونازی» رو می ساخت، به این هم فکر می کرد: اگه می شد همه آدم ها به اندازه شخصیت اصلی مستند من، نگران طبیعت باشن ...

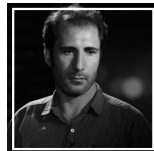
نویسنده:

مهدی اسدزاده



محیط بانی که پدر خوانده بزکوهی شد

حسن بیات در مستند «دونا‌زی»، همزیستی مسالمت آمیز یک محیط بان با آخرین بازمانده های یک نژاد بز کوهی را روایت می کند.



حسن بیات

نویسنده:

سهیل محمودی

حسن بیات، کارگردان مستند «دونا‌زی» در گفت و گو با روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند از جزییات تولید این مستند خبر داد. به گزارش روابط عمومی نخستین جشنواره تلویزیونی مستند، حسن بیات درمورد تولید مستند «دونا‌زی» گفت: سوژه اصلی مستند «دونا‌زی» توسط یکی از دوستانم که ساکن شهر طارم از توابع زنجان است به من پیشنهاد شد که در روستایی به نام هارون آباد در حال اتفاق افتادن بود.

ابتدا به همراه چند نفر دیگر از لوکیشن بازدید کردیم و متوجه شدیم که این سوژه توانایی تبدیل شدن به مستند را دارد؛ اما چیزی که من را جذب ساختن این مستند کرد، علاقه‌ای بود که بین یک محیط بان و دو بزغاله به وجود آمده بود. بزغاله‌هایی که توسط یک محیط بان و خانواده اش نگهداری می‌شدند و خانواده این محیط بان هم علاقه عجیبی به این دو بزغاله داشتند. در کنار این‌ها ما خواستیم نوعی رابطه منطقی و اخلاقی را بین انسان و حیوان به نمایش بگذاریم. گاهی نگهداری حیوان در خانه به مثابه نوعی حیوان‌آزاری است اما آقای صادقی، ارتباطی صحیح با این حیوانات برقرار کرده است.

بیات در مورد اهمیت حیواناتی که سوژه «دوناژی» شدند، تشریح کرد: دلیل این که خانواده صادقی تا این حد برای نگهداری از دو بزغاله وقت و هزینه صرف می‌کنند، این است که این دو بزغاله از آخرین بازمانده‌های نژاد خاصی از بزکوهی هستند که در منطقه طارم زندگی می‌کنند و نژاد آن‌ها در



پوستر فیلم مستند
«دوناژی»



معروض انقراض است. آقای صادقی که محیط بان هم هست با اخذ مجوزهای لازم برای نجات نسل این نوع بزکوهی تصمیم می گیرد که از این دو حیوان نگهداری کند.

بیات اضافه کرد: برای روایت بهتر قصه در «دوناژی» سعی کردیم تا هر آنچه که در زندگی این خانواده اتفاق می افتد را بدون تغییرات به نمایش بگذاریم. خانواده آقای صادقی به زندگی روزمره خود پرداختند و ما این همزیستی را در واقعی ترین حالت خود به تصویر کشیدیم. با توجه به فاصله ۹۵ کیلومتری لوکیشن از مرکز زنجان و کوهستانی بودن منطقه و گرمای شدید و هوای شرجی، تولید این اثر بسیار سخت بود اما طی دو سال این اتفاق افتاد و ما چهار فصل را در این مستند به تصویر کشیدیم.

مستند «دوناژی»، ساخته حسن بیات با پذیرفته شدن در سومین فصل جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ ششم آبان ساعت ۲۰ در قالب برنامه تلویزیونی جشنواره مستند روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.





سرگزشت و سرنوشت نامعلوم دوبرزگوهی

تحلیلی بر مستند «دونازی» ساخته حسن بیات

نویسنده: رحیم ناظریان

اجرا ساده انگارانه است و گاهی نیز سوژه و ایده، کلیشه و اجرا با ابتکاراتی همراه است. اما اگر هر سه عنصر، خالی از خلاقیت و جذابیت باشد، تکلیف چیست؟

سوژه اصلی مستند «دونازی» دو بزگوهی است که بعد از مرگ مادرشان، حدود دوسال است توسط یک محیط بان در خانه اش نگهداری می شوند. سوژه تا اینجا جذابیتی روزنامه‌ای

سوژه، ایده، اجرا، سه عنصر کلی و کلیدی تولید آثار مستند و به طور کلی آثار هنری است. «سوژه» در جهان عینی یا ذهنی وجود دارد و هنرمند دست به کشف آن می زند. «ایده» چیزی است که هنرمند به کشفیاتش می افزاید و دیدگاه یا خلاقیت خود را با آن به رُخ می کشد و «اجرا» نیز چگونگی خلق یا تولید یا ارائه‌ی اثر است. گاهی سوژه، قدرتمند و ایده و





دارد. این محیط بان با کاری نیک و خداپسندانه، دو بز کوهی را احتمالاً از مرگ نجات داده و حالا عاشقانه، خودش و خانواده اش آن ها را دوست دارند. همه چیز تا اینجا یک خبر خوب و جذاب است که نهایتاً می تواند در خبر شبانگاهی به شکلی تبلیغی آن هم در حدود یک دقیقه پخش شود؛ اما برای فیلم شدن چنین سوره ای عملاً فیلمساز نیازمند به زاویه ی دیدی شخصی تر، یا هنرمندانه تر از موضوع خواهد بود. در تمام مدت زمان مستند «دو نازی»، تأکید کارگردان بر انتخاب بازسازی وقایع براین مدار بود که این محیط بان درصدد انجام کاری نیک است. مهمانان و افرادی که به شکلی مصنوعی وارد فضای فیلم می شوند نیز، همگی می آیند و از کار نیک «صادقی» محیط بان می گویند.

قبل از تولید این فیلم، توصیف کار محیط بان در صفحات یک روزنامه نیز می توانست به شکل دقیقی این کار نیک را اطلاع رسانی کند و اینجا نیز در مدیوم سینما، تنها به همین تشریح و تأکید بر کار نیک بسنده شده است.

قبل از تولید این
فیلم، توصیف
کار محیط بان
در صفحات
یک روزنامه نیز
می توانست به
شکل دقیقی این
کار نیک را اطلاع
رسانی کند و اینجا
نیز در مدیوم
سینما، تنها به
همین تشریح و
تأکید بر کار نیک
بسنده شده است.

سؤال اینجاست! سوژه، آیا به سینما تبدیل شده یا یک گزارش ساده باقی ماند که همچنان فرقی با خبری روزنامه‌ای ندارد؟ محتوای خوب، انسان دوستانه، نیک، جامعه پسند، اخلاق گرایانه و هزاران کلمه و عبارت معقول دیگر، بارها و بارها در سینما تشریح شدند، اما با سویه‌ای سینمایی و هیچ گاه این گونه نبوده است که فیلمی فقط امر اخلاقی را تبلیغ کند و جنبه‌های هنری را در فرایند خلق نادیده بگیرد. واضح ترین مثال این است که حتی برای فیلم‌های تبلیغی مثل مستندهای پرتله برای انتخابات نیز، با وجود فرمایشی بودن سوژه، همچنان جنبه‌های دیگر تولید در مرکز توجه است یا به طور مثال، شما می‌توانید برای اسطوره‌ای مذهبی یا چهره بسیار مطرح دینی نیز فیلمی بسازید که نهایتاً بگویند فارغ از محتوای ارزشی‌اش، فیلم از نظر فنی، فیلم بسیار بدی بود. بنابراین صرفاً اخلاق و تأکید بر امر حسنه و نیک، نمی‌تواند جدایت هنری ایجاد کند و نام زیبایی بر آن گذاشته شود. با این توضیح درباره «دو نازی» باید





بنابراین ما نیز سنت شکنی می کنیم و از فرم معمول تحلیل و نقد - که خاصه بر خود اثر می پردازد - خارج می شویم و نقدی اخلاقی را مبنای کار قرار می دهیم. با این رویکرد اخلاقی به طور مثال می توانیم از آن محیط بان پرسیم، شما با چه معیاری، حیوانی همچون بز کوهی را این گونه اهلی پرورش دادید؟ به عبارتی نقد اثر را رها و به حاشیه های اخلاقی می پردازیم. پرورش خانگی یک حیوان وحشی می تواند آسیبی جدی بر حیوان وارد نماید. بدیهی است نهایتاً این دو بزر در طبیعت رها خواهند شد و

گفت، کارگردان دورنمای سینمایی اش از رویدادی خبری و سوژه ای احساسی، چه بوده است؟ سؤال این است: چرا کارگردان در «دو نازی» از آغاز تا پایان فیلم، پلان به پلان، تمام هم و غمش را گذاشته تا فیلمی بسازد که تمجید و تقدیری با اغراق از محیط بان داشته باشد؟ این تمجید، هم از تصاویر و هم از لایه لای دیالوگ های آدم هایی که گلچین می شوند تا درباره این محیط بان، دهان به تعریف بگشایند، قابل مشاهده است. اگر تنها اخلاق و امر نیک برای مؤلف اهمیت داشته،

رویدادهایی احساسی است که خالی از کنش قابل تأمل هستند. به عبارتی فیلم برداری از ناز و نوازش دویز کوهی، تصاویر طولانی از غذا دادن به آنها، بیش از آنکه عملی روزمره و همیشگی باشد، کاملاً در جهت پر کردن فضای فیلم و افزودن بر بار احساسی آن، در فیلم جانمایی شده اند.

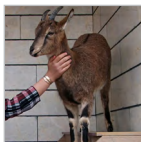
محیط بان در کوچه در کنار چند پیرمرد نشاندن می شود و برای کودکی، عکس های بزه را نشان می دهد. مشخصاً این روش درستی آن هم در گونه مستند نیست که تنها برای دادن اطلاعات به مخاطب به بازسازی فرمایشی صحنه ها پردازیم یا محیطی خنثی مثل یک دوره می خیابانی را به عنوان لوکیشن انتخاب نماییم. گرچه اغلب صحنه های این چینی در فیلم، به هیچ عنوان آگاهی و اطلاعات نیز به مخاطب نمی دهند و فقط این تصاویر طولانی در حدود بیان علاقه و زحمت این محیط بان به شکلی مصنوعی و بازسازی شده، برای مخاطبند.

نمونه های بسیاری در فیلم وجود دارد که نشان دهنده فرمایشی بودن



با این روش پرورش، آنان زندگی سختی را تجربه خواهند کرد و حتی شاید از چرندنی ساده نیز ناتوان باشند. اگر قرار باشد که کارگردان تنها به سویی ای اخلاقی تأکید بورزد، احتمالاً اثر از جانب مخاطب نیز با سویی ای اخلاق گرایانه تحلیل خواهد شد و دیدیم که می توان به همین راحتی از اخلاق برای نقد اثری اخلاقی استفاده کرد.

مستند «دونازی» با توجه به سوزهای که دندان گیر نیست، در اجرا نیز به هیچ عنوان، رضایت بخش عمل نکرده است. تکنیک اصلی در تولید، بازسازی



نکته دیگر، کاربرد مصاحبه در فیلم «دونازی» است. گرچه صدای مصاحبه کننده حذف شده است، اما شکل فیلم به گونه ای است که وجود مصاحبه را تأیید می کند.

پلان ها در لحظه تولید است. گرچه این بازسازی دلیل بر ضعف در مستندسازی نیست، اما چگونگی کاربرد و کارکرد آن می تواند سؤال برانگیز باشد. پلان های نوازش و غذا دادن به این بزها به گونه ای اغراق آمیز، تصنعی از آب درآمده اند یا به طور مثال در کل فیلم، شخصیت اصلی مستند با لباس محیط بانی حضور دارد. به نظر حتی اگر در بستر خواب نیز ناچاراً او را نشان می دهند، همچنان این لباس را بر تن داشت. این خود دلیلی بر این ادعاست که فیلم نه همچون عنوانش که تأکید بر دو بز کوهی دارد و معرف آنهاست، در متن مستند، تنها برای خود شخص محیط بان به آب و آتش می زند. انگار معرفی او به عنوان یک حافظ محیط زیست با لباسش معنا می یابد و در تمام پلان ها او باید با این پوشاک حضور داشته باشد.

در ادامه بحث ساختگی بودن و تصنعی بودن پلان ها می توان به صحنه ورود یک مرد با کودکی خردسال در آغوش برای بازدید از بزها اشاره کرد. تمام این پلان به سلام و احوال پرسی و

دوباره همان مسئله تکرار شونده در فیلم اختصاص دارد و این که آقای محیط بان در حال انجام امری نیک است. ورود مهمان، دلیل حضورش، جایگاه و اهمیتش، فقط فرمایشی بودن صحنه ها را تأیید می کند یا مرور عکس های این دو بز توسط اعضای خانواده نیز، کارکردی جزیر کردن زمان فیلم ندارد. اساساً این که ما عکس هایی از بچه بزها ببینیم، جز تأکید بر زمانی مرده و بی حاصل چه نتیجه ای در بر دارد؟ اینها به هیچ عنوان اعمالی حساب شده یا تأثیرگذار نیستند یا درست ترین که اعمال و رویدادهای این فیلم چه اتفاقی باشد و یا چه کوششی و فرمایشی، هیچ کدام اعمالی کنش مند نیستند.

به پایان بندی فیلم و اوج این بی کنشی می پردازیم. محیط بان به آتلیه ای می رود و از عکاس می خواهد که به روستا بیاید تا از بزها عکس یادگاری بگیرد. این سکانس به عنوان پایان بندی، همچنان عملی غیر تأثیرگذار قلمداد خواهد شد و این سؤال پیش می آید اساساً آمدن یک عکاس و گرفتن یک عکس یادگاری جز نشان دادن اوج

علاقه این محیط بان چه کارکرد دیگری دارد؟ پلان هایی از این دست، فیلم را به عنوان اثری خانوادگی و یا ویدئویی برای ثبت یک خاطره تنزل داده است.

نکته دیگر، کاربرد مصاحبه در فیلم «دونازی» است. گرچه صدای مصاحبه کننده حذف شده است، اما شکل فیلم به گونه ای است که وجود مصاحبه را تأیید می کند.

مصاحبه در مستند غالباً مترادف با ایستایی و پرحرفی است. مصاحبه هیچ وقت در سینمای مستند نتوانسته جانشین لایقی برای تصویر باشد. تنها زمانی مصاحبه کارکرد خود را خواهد داشت که نتوان تصویر را جایگزین آن کرد. گرچه می پذیریم که مصاحبه جزئی از ابزارهای مستند سازی است، اما همواره کارگردانان در استفاده از آن حالتی هنرمندانه را اتخاذ می کنند. به طور مثال، مصاحبه در اتومبیل، در حین کار روزانه، در حالات نشسته، خواب، ایستاده و حالات متفاوت دیگر. اما در مستند «دونازی» تمام مصاحبه ها رخ به رخ و غالباً ایستاده صورت گرفته است. حتی سؤالات از مصاحبه شونده نیز

سطحی است. مشخصاً افراد مستند به سؤالاتی پاسخ می دهند که توسط عوامل فیلم پرسیده شده است، اما از ماهیت جواب ها بر می آید که سؤالات نیز همچون پاسخ ها که بیشترین خاطرات است، ساده انگارانه اند. به عبارتی مصاحبه در این مستند فقط دریافت اطلاعاتی خاطره وار از آدم هاست و هیچ سویه چالش برانگیز یا انتقادی ندارد. مصاحبه بیشتر معطوف بر زمان مرده ی رویدادهاست و نقل رویدادی است که دیگر ارزش روایت ندارد.

«دونازی» شاید می خواست فیلمی درباره ترویج فرهنگ دوستی با محیط زیست و تأکید بر عدم شکار حیوانات رو به انقراض باشد، اما آن قدر سرگرم خورد محیط بان و کار خیرخواهانه اش شد که آن دو شکارچی حاضر در فیلم به حاشیه رانده شدند. بی شک فیلم ساز با تأکید بیشتر بر دو شکارچی حاضر در فیلم - که البته اندک حضور آنان نیز تنها تأیید و تمجید کار نیک محیط بان بود - می توانست با ایجاد دو حالت متضاد، در فضایی خارج از شعار و اخلاق، امر اخلاقی را هنرمندانه تبلیغ کند.



محمدجواد دهقان | کارگردان

تصویربردار یه مجموعه مستند صد و بیست قسمتی بود در مورد مددجوهای کمیتۀ امداد. به پونزده تا استان و کلی روستای فقیر سرزد. آدمی رو دید که بچه هاش رو مدرسه نفرستاده بود، چون پول خریدن کیف و دفتر رو نداشت. آدمی رو دید که همسرش سخت ترین بیماری ها رو داشت و پول نداشت ببرش تهران و بستریش کنه. آدمی رو دید که باید تمام خونواده اش رو با ماهی صد و هشتاد هزار تومن یارانه سیر می کرد.

چند سال بعد محمدجواد دهقان فقط به این فکر می کرد: چطور می شه که بعضی ها تمام عمرشون رو وقف کمک به آدم های محروم می کنن؟ اصلاً چرا آدم ها محروم می مونن؟ چرا نمی تونن اوضاعشون رو عوض کنن؟

یه مدت طولانی دنبال جواب سوال هاش گشت و بعد فهمید که دلش می خواد چه مستندی بسازه....

نویسنده:

مهدی اسدزاده



بازگشتی برای کارآفرینی



محمد جواد دهقان

نویسنده:

سهیل محمودی

محمد جواد دهقان در مستند کوتاه «بازگشت» روایت مردی است که از زندگی شهری به ریشه‌های روستایی خود بازمی‌گردد و در این «بازگشت» با ایده‌ای کارآفرینانه، روستای خالی از سکنه را نجات می‌دهد. به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، محمد جواد دهقان کارگردان مستند «بازگشت» که در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند پذیرفته شده، درباره تولید این مستند گفت: داستان مستند «بازگشت» از جایی شروع شد که وقتی در حال تصویربرداری مستندهای بین‌برنامه‌ی «گاهی به آسمان نگاه کن» بودم باید به نقاط مختلف کشور سفر می‌کردم و با سوژه‌های مختلف برخورد داشتم که اکثراً به دلایلی مانند بی‌سرپرست بودن خانوار یا چنین مشکلاتی، با کمیته امداد در ارتباط بودند و بعضاً توانسته بودند با کمک کمیته امداد کارآفرینی کنند. در کنار این‌ها علاقه‌ای که به کار مستند داشتم باعث شد از بین فهرستی که کمیته امداد استان یزد در اختیارم گذاشت یک گزینه را انتخاب کنم و به عنوان سوژه مستند روی آن کار کنم.

دهقان درباره سوژه مستند «بازگشت» گفت: یکی از این سوژه ها آقای توکلی است که شهرنشین شده و راننده بود و بعد از مدتی به روستا بازگشته و برای آبادانی این روستا تلاش می کند. با این بازگشت، روستایی که در حال خالی شدن از سکنه است نجات پیدا می کند. روایت قصه آقای توکلی در مستند «بازگشت» بیشتر معطوف به فعالیت های اوست که منجر به آبادانی روستایی در دوایست کیلومتری مرکز استان یزد شده و کمتر به زندگی شخصی او پرداخته شده است.

مستند کوتاه «بازگشت» به کارگردانی محمد جواد دهقان تولید شده و با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند در ششم آبان ماه ساعت ۲۰ در قالب برنامه جشنواره تلویزیونی مستند روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پوستر فیلم مستند «بازگشت»





روستایی که دوباره زاده شد

یادداشتی بر مستند «بازگشت» ساخته محمد جواد دهقان
نویسنده: رحیم ناظریان

مسبب تحول یا تغییر باشد. نمونه های زیادی در سینما وجود دارد که در آن فردی پس از مدت ها به زادگاهش یا مکانی که روزگاری در آنجا زیسته بود، بازمی گردد و این شروع رویدادی جدید خواهد بود. او یا چیزی را تغییر می دهد یا خودش تغییری را تجربه خواهد کرد.

مفهوم و عمل «بازگشت»، همواره در ادبیات و سینما با تغییر و تحول در کاراکتری که تن به این عمل می دهد، همراه است. همان قدر که تغییر مکان، جغرافیا و به عبارتی کوچ، مسبب تغییر است، بازگشت به مکانی که پیش تر در آن خاطره ای بایگانی شده نیز می تواند



شخص، گنجانده شده، نقل ماجرای چگونگی بازگشت از شهر به روستا و شروع زندگی جدید در گذشته است. به عبارتی مستند «بازگشت» یک روایت کنونی دارد و یک روایت متعلق به گذشته.

در جایی از فیلم خیلی گذرا به این موضوع اشاره می شود که در سال ۱۳۸۶ روستای کمکویه از توابع یزد، که زادگاه کاراکتر اصلی مستند است؛ به عنوان «روستای مُرده» معرفی شد. عبارت «روستای مُرده» در کنار عنوان فیلم، مضمون آن، که فواید بازگشت به روستا و عدم مهاجرت به شهرهاست را می سازد. بنابراین می توان این گونه تحلیل کرد که کارگردان با تلفیق دو روایت اشاره شده، روایت را در ظاهر فیلم به زمان حال معطوف کرده که اگر غیر از این عمل می نمود، ما شاهد فیلمی بودیم که تنها به شرح ماجرای قدیمی بسنده کرده بود و نه چیزی دیگر. برای مثال اگر روایت غالب فیلم که یک روز از زندگی کاری کاراکتر اصلی فیلم بود؛ حذف می شد، زمان زنده ی مستند به زمانِ مُرده، تقلیل می یافت و این به نظر بسیار ناخوشایند جلوه می کرد. فیلم ساز با تأکید بر تصاویری جذاب از



مستند کوتاه «بازگشت» در کمتر از ده دقیقه، ماجرای تصمیم مردی را شرح می دهد که در گذشته با چند تن دیگر از هم ولایتی هایش، زندگی شهرنشینی را رها کرده و به زادگاهشان برمی گردند. با این حال مستند در این مدت زمان کوتاه، همزمان دست به نقل دو روایت می زند. اولی، یک روز کاری زندگی «احمد توکلی» در روستا؛ که شامل دامداری، سرکشی بر مزرعه زنبور، ریختن غذا در استخر پرورش ماهی و شرکت در جلسه شورای محله است، را روایت می کند و دومین بخش روایی فیلم که لا به لای روایت غالب، به صورت راوی با زاویه دید اول

●
 با اعتقاد بر موجز
 بودن اثر هنری،
 این راه هم نباید از
 خاطر برد که گاهی
 با ایجاز بیش از
 اندازه، خود مولف،
 مجال تأثیرگذاری
 بیشتر بر مخاطب را
 از خودش می‌گیرد.

روستای کمکوئیه و زیبایی های طبیعی،
 نه فقط برای آب و رنگ دادن به اثرش بهره
 برده، بلکه در راستای هدف فیلم، که
 ترغیب بازگشت روستایی های مهاجرت
 کرده بر شهرهاست، گام برداشته است.
 با این حال با توجه به تأکید فیلم بر
 مفهوم بازگشت و این که در آغاز، لقب
 «روستای مرده» را به قبل از این بازگشت
 نسبت می دهد، انتظار می رود در ادامه،
 ما بیش از پیش این شور زندگی را در فیلم
 حس کنیم. تأکید فیلم ساز بر روحی
 است که روستایی های مهاجرت کرده
 از شهر به روستا با بازگشتشان دمیده اند،
 اما این جریان زندگی و رونق دوباره روستا،
 فقط در کلام و نریشن بیان می شود. بی
 شک تمامی مشاغلی که روستایی ها
 در این آبادی راه انداخته اند؛ از قبیل
 دامداری، زنبورداری، باغداری، پرورش
 ماهی، پرورش بلدرچین، مزرعه گیاهان
 دارویی و ... همه و همه می توانند
 با اتکا بر تصاویری از خود تولیدات، با
 تمهیداتی بصری، بیانگر شور زندگی باشد
 تا تأثیر منفی عبارت «روستای مرده» که در
 آغاز بر ذهن نشست، آرام آرام با نشان دادن
 حرارت و شوق زندگی محو شود.



با اعتقاد بر موجز بودن اثر هنری، این را هم نباید از خاطر برد که گاهی با ایجاز بیش از اندازه، خود مولف، مجال تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب را از خودش می گیرد. برای شرح این موضوع به صحنه ای درخشان از فیلم اشاره می کنم؛ «توکی» کاراکتر محوری فیلم، در حالی از گذشته روستا و اصطلاح «روستای مُرده» می گوید که با وانش در حال عبور از قبرستان روستا است. به نظر این جانمایی، نشان از قدرت درک تصویر کارگردان دارد، اما با این توجیه، برای فاز دوم فیلم که مفهوم «زندگی» در آن بوده، هیچ تصویر قابل اتکایی در نظر گرفته نشده است. به عبارتی وقتی نشانگان تصویری، مفهوم «مردگی» را نشانه می روند، و فیلم درباره همین تجدید حیات است، چرا از نشانگانی که «زندگی» را بیان کنند سود برده نمی شود؟ اینجاست که تعدد مضامین، در قبال کوتاهی مدت زمان فیلم، مجال پرداخت محتوا، کاراکترپردازی، انسجام روایت و نهایتاً تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب را از اثر دریغ می کند.



فستیوال مستند تلویزیونی Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

کد فیلم «دو نازی» برای شرکت
در مسابقه پیامکی: A8
کد فیلم «بازگشت» برای شرکت در
مسابقه پیامکی: A9



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.